

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث به سوره مبارکه آل عمران آیات 169 الي 171؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ
مِنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ». خدای تبارک و تعالی در این آیات به پیامبر اکرم خطاب می کند «وَلَا تَحْسَبَنَّ»
یا خطاب به پیامبر است یا خطاب به هر مستمعی که این آیه را می شنود! می فرماید کسانی که در راه خدا کشته شدند را به
عنوان اموات گمان نکنید، اینها عنوان اموات را ندارند بلکه اینها زنده اند. اولین نکته این است که یعنی به مجرد اینکه اینها کشته
شدند این حیات برای اینها تشکیل می شود. پس خود همین دلالت بر این دارد که اینها بعد از دار دنیا عنوان احیاء و حیات را
دارند و زنده اند.

«عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» راجع به کلمه ی «أَحْيَاءٌ» برخی گفته اند مربوط به قیامت است، در مقابل منافقین که قائل بودند به اینکه بعث
و قیامتی وجود ندارد و آن را منکر بودند، خدا می فرماید اینها احیاء، در نتیجه باید بگوئیم «أَحْيَاءٌ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ» که يك معنای
مجازی می شود. ظاهر این کلمه «أَحْيَاءٌ» اگر گفتیم زید زنده است ظهور در این دارد که الآن زنده است، اگر يك بجهای که بعداً
می خواهد به دنیا بیاید، الآن بگوئیم زنده است مجاز است، آیه می فرماید اینها احیاء، به عبارت دیگر می گوئیم این احیاء، حين
نزول الآية است، در حینی که آیه شریفه نازل می شود در همین زمان اینهایی که در راه خدا کشته شدند عنوان احیاء را دارند، این
اولاً.

یعنی کسانی نگویید این احیاء مربوط به روز قیامت است، مراد این است که خدا می خواهد بفرماید این افرادی که در راه خدا
کشته شدند را در قیامت زنده می کنیم و خدا به اینها رزق و روزی می دهد! نه، ظهور در این دارد که همین حالا اینها حیات دارند.
آن وقت قرائن دیگری در آیه شریفه وجود دارد؛ یکی از آن قرائن این استبشرون است که بعداً می آید، به اینها بشارت داده
می شود. این استبشار باید قبل از قیامت باشد چون در دنباله آیه می فرماید «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ»
قیامت معنا ندارد که به اینها بشارت بدهند، آنهایی که به اینها ملحق نشدند! معلوم می شود يك زمانی است که در آن زمان به
مجاهدین و شهدا - راجع به آن افرادی که هنوز به اینها ملحق نشدند - خدای تبارک و تعالی به آنها بشارت می دهد، این قرینه خیلی
مهم است «يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» یعنی به اینها بشارت داده می شود نسبت به کسانی که به اینها ملحق نشدند.

اگر این آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ» مربوط به قیامت باشد، قیامت که همه زنده می شوند! همه از

حال یکدیگر خبر دارند، لازم نیست کسی بیاید از حال کسی به دیگری خبر بدهد، بهشتی‌ها می‌بینند از اقوام و فامیل‌شان چه کسانی اهل بهشتند و چه کسانی اهل جهنم‌اند! در قیامت هم بهشتی‌ها مطلع می‌شوند چه کسی اهل جهنم و نار است و هم جهنمی‌ها خبر دارند که چه کسی اهل بهشت است. در حالی که در این آیه شریفه خدا می‌فرماید «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» افرادی که هنوز نیامدند به اینها بشارت می‌دهند که اوضاع آنها چگونه است، این هم قرینه دوم بر اینکه این آیه مربوط به برزخ است.

به تعبیر دیگر یعنی «سَيَصِيرُونَ فِي الْآخِرَةِ أَحْيَاءُ» جمعی از متکلمین از معتزله که در رأسشان ابوالقاسم کعبی است آیه را اینطور معنا کردند و گفتند چون منافقین بعث و قیامت را منکر بودند خدای تبارک و تعالی در مقام جواب به اینها می‌فرماید شما دارید خیال باطلی می‌کنید، اینها روز قیامت زنده می‌شوند، اینها بی‌خود جانشان را هدر ندادند و در نزد خدای تبارک و تعالی رزق دارند، ما می‌خواهیم بگوئیم این حرف باطل است، چرا؟ اولاً کلمه «أَحْيَاءُ» ظهور در این دارد که «حِينَ نَزُولِ الْآيَةِ» احیاء، حالا این بحث‌هایی که در اصول داریم که مشتق آیا فقط حقیقت در خصوص من تلبس است یا در من قضا عنه المبدأ هم حقیقت دارد یا نه؟

آن اختلافی که در آنجا وجود دارد هیچ کسی اصولی‌ای نیامده بگوید به يك کسی که می‌خواهد 20 سال دیگر عالم شود الآن عالم می‌گویند، همه می‌گویند این مجاز است! خدا بخواهد قیامت اینها را زنده کند و از حالا به آنها بگوید احیاء، این استعمال مجازی می‌شود. آیه ظهور در این دارد که الآن متلبس به حیاتند، طبق همین بحثی که در مشتق اصولی مطرح است، این اولاً. قرینه دومی که می‌آوریم که این آیات مربوط به برزخ است این است که نسبت به آن مجاهدینی که با اینها در میدان جنگ بودند و کشته نشدند خدا حال آنها را برای اینها نقل می‌کند، به اینها بشارت می‌دهد، «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» سؤال ما این است که این «الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» در قیامت معنا دارد؟ در قیامت يك حشر عام است و همه مبعوث می‌شوند يك بعث عام است و همه همدیگر را می‌بینند و حالات یکدیگر را مطلع می‌شوند و معنا ندارد که این استبشار و بشارت در آنجا مطرح باشد! پس این هم قرینه دوم بر اینکه این آیات مربوط به آیات برزخ است.

قرینه سومی که می‌توانیم بیان کنیم این است که در اینجا ظاهر آیه شریفه خطاب به خود رسول خداست، رسول خدا که علم داشت به اینکه همه مؤمنین در قیامت زنده می‌شوند، چه شهدا، چه غیرشهدا، آن وقت «لَا تَحْسَبَنَّ» چه معنا دارد؟ بگوئیم رسول خدا که خودش می‌داند این همه آیات معاد را قبلاً برای مردم خوانده، باز خدا به او بفرماید «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً» وقتی که این همه آیات معاد قبلاً آمده که مؤمن بعد از این عالم و يك زمانی «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» داستان قیامت را پیامبر مکرر برای مردم فرموده، حالا خدا باز به پیامبر بفرماید که فکر نکنی قیامتی در کار نیست! این معنا ندارد. پیامبر که علم داشت و آیات معاد را خوانده بود، این فقط در مورد برزخ می‌تواند معنا داشته باشد، باز پیامبر به برزخ علم داشت ولي مؤمنین علم نداشتند، حتی آنهایی هم که همراه با شهدا قتال کرده بودند چنین علمی را نداشتند. بنابراین اینها قرائن روشنی است بر این معنا. علاوه بر این سه قرینه، روایاتی هم اینجا وجود دارد که از این روایات استفاده می‌شود که اینها همه مربوط به عالم برزخ است.

پس برای ما روشن شد که این آیات مربوط به عالم برزخ است، کسی نیاید این آیات را حمل بر قیامت کند، حالا که مربوط به عالم برزخ شد و این آیات را نمی‌توانیم بر قیامت حمل کنیم، اینجا می‌فرماید اینها حیات دارند، یعنی حیات برزخی دارند «عند رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» در نزد خدای تبارک و تعالی به اینها رزق داده می‌شود «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرح در مقابل حزن

است، اینها خوشحالند به آنچه که خدای تبارک و تعالی به اینها از فضل خودش داده، یعنی در عالم برزخ خداوند از فضل خودش اینقدر به این شهدا می‌دهد که اینها ذاتاً خوشحالند، در حالت فرح و سرور به سر می‌برند. آن وقت علاوه بر اینکه در حالت فرح و سرور به سر می‌برند «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» بشارت و بُشری آن خبر خوشحال‌کننده است، یعنی خدای تبارک تعالی در عالم برزخ طوری قرار می‌دهد که اینها خودشان اولاً متنعم به فضل خدا هستند و خوشحالند، آن مقاماتی که خدا به اینها داده و اینها در همان عالم برزخ در آن مقامات به سر می‌برند و بعد استبشار هم وجود دارد. استبشار یعنی يك خبر خوشحال‌کننده هم به آنها داده می‌شود، خبر خوشحال‌کننده برای آنها این است که اینها سوال می‌کنند: افرادی که در میدان جنگ با ما بودند و کشته نشدند چه وضعی دارند؟ خدا می‌فرماید «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این آلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون نسبت به خود شهدا نیست بلکه نسبت به الذین لم یلحقوا بهم است، یعنی همین که خداوند در عالم برزخ به شهدا می‌فرماید دوستان شما و مؤمنینی که در دنیا با شما قتال کردند ولی کشته نشدند، بدانید آنها هم هیچ خوف و حزنی ندارند. خدا به این شهدا بشارت می‌دهد راجع به این افرادی که در دنیا هستند، ما قبلاً راجع به خوف و حزن صحبت کردیم.

مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله علیه تعبیری دارد و می‌فرماید این «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» «کلمة عجيبة کلاً أمعنت فی تدبره» [1] هر مقداری که امعان نظر کنی و تدبر در این آیه کنی «زاد فی اتساع معناها علی لطف و رقة و سهولة بیان» هر چه در آن دقت کنی معنای وسیع‌تری از آن را متوجه می‌شوی. ایشان می‌فرماید از آیه استفاده می‌شود اینهایی که جهاد کردند و کشته شدند «لا خوف علیهم» نفی مطلق خوف است. یعنی خوف از اینکه نسبت به آن نعم الهی، نسبت به آن سعادت انسانی که انسان انتظارش را می‌کشد که در عاقبت انسان، انسان سعادتمند بشود، اینها هیچ خوفي ندارند که او از دستشان نمی‌رود. خدا به شهدا این خبر خوش را می‌دهد که این دوستان شما که همراه شما بودند هم خوف و حزنی ندارند.

خوشحالی دوم این است که طلب البشارة می‌کنند و به خدا می‌گویند يك بشارتی به ما بده راجع به آن دوستانی که همراه ما بودند، آنها چه شدند؟ می‌فرماید «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» خدا بشارت می‌دهد که «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» گاهی اوقات از بعضی از سخنران‌ها آدم می‌شنود که این «ألا خوف علیهم و لا هم یحزنون» را به خود شهدا می‌زنند و خدا به اینها می‌گوید که بشارت باد بر شما که هیچ خوف و حزنی بر شما نیست! این آیه ظهور روشنی دارد که خدا نسبت به آن کسانی که در دنیا با اینها بودند، «لم یلحقوا بهم من خلفهم» حالا ممکن است دایره این را يك مقدار وسیع‌تر قرار بدهیم. آنهایی که در میدان جنگ با اینها بودند، فامیل‌شان، مؤمنینی که در دنیا با اینها بودند، پدر، مادر، برادر، اقوام، همه اینها را ممکن است شامل شود. «الَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» آنهایی که برای شهدا مهم و مطرح است. پس این هم يك بشارت است که خدا می‌فرماید آنها هم «لا خوفٌ علیهم و لا هُمْ يَحْزَنُونَ» هستند.

مرحوم علامه خودشان تصریح فرمودند و می‌فرمایند از آیه شریفه دو مطلب استفاده می‌شود:

(1) «أن هؤلاء المقتولين في سبيل الله يأتیهم و يتصل بهم أخبار خيار المؤمنين الباقين بعدهم في الدنيا» اخبار مؤمنین متدین و خيار المؤمنین به اینها رسیده می‌شود. این اولین مطلب است و ظاهر آیه هم همین است «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ». اخبار خيار مؤمنین به اینها داده می‌شود.

بعد می‌فرماید: «ثانياً أن هذه البشرى هي ثواب أعمال المؤمنين» این بشری ثواب اعمال مؤمنین است «و هو أن لا خوف علیهم

و لا هم يحزنون و ليس ذلك إلا بمشاهدتهم هذا الثواب في دارهم التي هم فيها مقيمون فإنما شأنهم المشاهدة دون الاستدلال» مرحوم علامه در این عبارت می‌فرماید مطلب دومی که از آیه فهمیده می‌شود که این است که این بشارت خودش ثواب اعمال مؤمنین است، اعمال مؤمنینی است که «لم يلحقوا بهم». باز معنا می‌کنند ثواب را و می‌فرمایند «ألا خوفٌ عليهم و لا هم يحزنون»، یعنی خود همین «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [2] ثواب دنیوی اعمال مؤمنین است، یعنی مؤمن وقتی تلاش می‌کند و زحمت می‌کشد، ایمان و عبادت دارد، به يك مرتبه‌ای می‌رسد که خدا می‌فرماید دیگر شما خوف و حزنی نداشته باشید، این مرتبه‌اش در همین عالم دنیا است، قبلاً خواندیم درست است در بعضی از افرادی که دارند از این عالم منتقل می‌شوند، ملائکه به آنها می‌گویند شما خوف و حزنی نداشته باشید، ولی آن آیه شریفه‌ای که می‌گوید «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» یعنی در همین دنیا خوف و حزن ندارد.

مرحوم علامه می‌فرماید ثواب خود اعمال مؤمنین این است که خدا اینها را مقدر کرد، یعنی به مرتبه‌ای رسیدند که خدا می‌فرماید شما دیگر خوف و حزنی نداشته باشید. آن وقت می‌فرماید «وليس ذلك ذلًا بمشاهدتهم هذا الثواب في دارهم التي هم فيها مقيمون» یعنی در دای دنیا مؤمن به این مرتبه می‌رسد که خودش می‌بیند که خوف و حزنی ندارد، مؤمن در همین دار دنیا به این مرتبه می‌رسد که می‌بیند خوف و حزنی ندارد «فإنما شأنهم المشاهدة دون الاستدلال» آن وقت خدای تبارک و تعالی می‌خواهد به شهدای در عالم برزخ خبر خوش بدهد، می‌فرماید همانطوری که شما در عالم برزخ خوشحالی «بما آتاهم الله من فضله» به مؤمنین در دنیا هم ثواب عمل دنیوی‌شان که نبود خوف و حزن هست داده شده و آنها هم می‌دانند که خوف و حزنی برای آنها وجود ندارد. بعد در دنیا می‌فرمایند «ففي الآية دلالة على بقاء الإنسان بعد الموت» که عرض کردیم خود کلمه أحياء به خوبی دلالت بر این مدعا دارد که این آیات مربوط به آیات برزخ است.

نکته بعد که فردا ان شاء الله عرض می‌کنیم که در آیه بعد مجدداً فرموده «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» دو مرتبه استبشرون را تکرار کرده این بنعمه من الله تکرار بشارت قبلی است و یا بشارت دومی است که ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1]. الميزان , ج 4, ص 63.

[2]. سورة يونس: آيه 62.